

نگاهی به زندگی، آثار و خدمات علامه محمد باقر مجلسی

ساعات ملکوتی یکی از روزهای ماه مبارک رمضان سال 1037 هجری قمری سپری می شد و خاندان مجلسی در تب و تاب تولد ستاره ای دیگر در آسمان علم و فقاہت بود.



ساعات ملکوتی یکی از روزهای ماه مبارک رمضان سال 1037 هجری قمری سپری می شد و خاندان مجلسی در تب و تاب تولد ستاره ای دیگر در آسمان علم و فقاہت بود. گرچه علامه محمد تقی مجلسی در آن زمان نمی دانست که سلسله ی عالمان مجلسی با تولد این نوزاد اوج می گیرد و او افق های دانش و تقوا را نورباران می کند اما مدتی بعد به هنگام تهجد و راز و نیاز شبانه، با دعایش به درگاه حضرت حق، آینده ی این کودک و بلکه آینده ی جهان اسلام را، روشنایی تازه ای بخشید. نقل این جریان از زبان خود ملا محمد تقی مجلسی شنیدنی تر است: «شبی از شب ها بعد از تهجد و استغاثه به درگاه خدای متعال، خود را در حالتی دیدم که هرچه را از خدا بخواهم، اجابت خواهد شد، در دل خود متفکر بودم که کدامیک از اموردنیوی یا اخروی را بخواهم که ناگاه صدای گریه ی محمد باقر را که درگهواره بود شنیدم. بدون تأمل عرضه داشتم: خداوندا به حق محمد و آل محمد(ص) این طفل را مروّج دین و ناشر احکام سیدالمرسلین گردان و او را موفق به توفیقات بی پایان خود بدار.»(1)

بی تردید، در نوردیدن همه ی مرزهای علم و فقاہت و مرجعیت، و خدمات بی نظیر علامه محمد باقر مجلسی به جهان اسلام، از برکت دعای سحری پدر فرزانه و باتقوایش بود.

تحصیلات

کودکی محمد باقر، متفاوت از سایر کودکان گذشت. هنوز چهار سال نداشت که فراگیری قرآن و علوم و معارف اسلامی پرداخت. بعدها خودش اینطور تعریف می کرد: «الحمدالله رب العالمین که من در سن چهار سالگی همه اینها را می دانستم یعنی خدا و نماز و بهشت و جهنم. و در مسجد صفا نماز شب می خواندم و نماز صبح را به جماعت به جا می آوردم و اطفال را نصیحت می کردم با آیات و احادیث به تعلیم پدرم(رحمه الله علیه) (2) در همان سنین خردسالی به دریافت اجازه از استادش شیخ عبدالله بن شیخ جابرعاملی نائل آمد(3). و در حدود 13سالگی از ملاصدرای شیرازی اجازه ی روایت گرفت(4).

محمد باقر در سایه ی تعلیمات و مراقبت های پدرش که خود فقیهی پارسا و مرجعی عالیقدر بود و به مدد هوش و استعداد ذاتی اش، دراندک زمانی بر دانش های صرف، نحو، معانی و بیان، لغت، ریاضیات، تاریخ، حدیث، رجال، درابه، اصول، فقه، فلسفه و کلام احاطه ی کامل پیدا کرد. وی همچنین از سوی پدرش و اساتیدش- که 21نفر از علمای طراز اول بودند- اجازات متعددی دریافت کرد(5) که از آنها فهمیده می شود علامه مجلسی قبل از 30سالگی، هم مجتهد بوده و هم در تمام علوم منقول و معقول، تبحر و تخصص داشته است. وی پس از کسب مدارج بالای علمی و مطالعه ی کتاب های بسیار، به این نتیجه رسید که دانش و علم، اگر برگرفته و همراه با منبع فیض الهی (قرآن کریم) و دستورات ائمه ی هدی (ع) نباشد سودمند نخواهد بود. همین تفکر، سنگ بنای تألیف کتاب گرانقدر بحارالانوار شد.

مناصب و مقامات اجتماعی علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه

برگ های تقویم ورق خورد تا اینکه سال 1070 فرا رسید. در این سال پدر علامه مجلسی یعنی ملامحمد تقی مجلسی که شیخ الاسلام (بالاترین مقام روحانی اصفهان) و امام جمعه ی شهر اصفهان بود به دیار باقی شتافت و ملامحمدباقر سبزواری جانشین ایشان شد. علامه محمدباقر مجلسی هم به جای پدر امام جماعت مسجد جامع شد و حلقه ی درس پدر را سرپا نگه داشت. در درس علامه مجلسی بیش از هزار طلبه ی فاضل و محقق شرکت می کردند و در میان آنها دانشمندان بزرگی پرورش یافتند.

علامه که رفته رفته در جایگاه برترین مرجع دینی و علمی اصفهان قرار گرفته بود، در تاریخ چهارم جمادی الاول سال 1098 و با اصرار و خواهش شاه سلیمان صفوی، امام جمعه و شیخ الاسلام اصفهان شد و توانست با استفاده از فرصت به دست آمده، خدمات گسترده ای به جامعه ی اسلامی ارائه نماید. خطبه های نماز جمعه ی علامه ی مجلسی و موعظه های او خصوصاً در شب های ماه مبارک رمضان، خیل عظیم مشتاقان معارف حقه ی اهل بیت علیهم السلام را بهره مند می نمود.

خدمات و برکات علامه مجلسی برای جامعه ی اسلامی

علامه با درک صحیح و به موقع از شرایط و اوضاع زمان خود، توانست قدم های بلند و مؤثری در جهت زنده نمودن روح دینداری و اسلام خواهی در بین طبقات مختلف مردم بردارد. در اثر فعالیت ها و اقدامات علامه، مساجد اصفهان رونق یافته و تمایل مردم نسبت به دین و معنویت، رشد فراوانی یافته بود.

یکی از اقدامات مهم علامه تألیف کتب به زبان فارسی بود که برخلاف شیوه‌ی متداول در بین علما بود. زیرا در آن زمان، نگارش کتاب به فارسی، نوعی بی‌سوادگی تلقی می‌شد. اما علامه اسیر این تفکر نشد و برای اینکه عامه‌ی مردم هم بتوانند به متون دینی و حدیثی دست پیدا کنند، بیش از 86 عنوان کتاب به زبان فارسی و با بیانی ساده و شیوا نگاشت(6). وی توجه خاصی به مسئله‌ی توسل به ائمه‌ی اطهار(ع) داشت و پیرامون ادعیه و زیارات، مطالب فراوانی جمع‌آوری نمود. به علاوه در کتب مستقلی مثل «زادالمعاد» و «تحفة الزائر» به نقل ادعیه و زیارات پرداخت. همچنین در کتب دیگرش دعاها و مهمی مثل جوشن کبیر و سمات و زیارت جامعه‌ی کبیره را ترجمه یا شرح کرد. او سنت چاووش خوانی برای زائران قبور اهل بیت را احیا نمود. علامه به زبان عربی هم بالغ بر 50 عنوان کتاب نوشت که مهم‌ترین آنها بحارالانوار است که 110 جلد می‌باشد. نوشتن بحارالانوار در واقع اولین تلاش‌های یک دانشمند در سطح جهان برای گردآوری یک دائرةالمعارف است. میراث مکتوب و گرانقدری که میزان قابل توجهی از احادیث و معارف اسلامی را در خود جای داده است. انگیزه‌ی علامه در تألیف بحارالانوار را شاید بتوان در دو عامل خلاصه کرد: یکی اینکه به خاطر رواج علوم عقلی و گرایش اکثر دانشمندان به این علوم، حدیث و فقه تحت الشعاع قرار گرفته و کمتر بدان پرداخته می‌شد و دیگر اینکه در اثر جنگ‌ها و ویرانی‌هایی که در ایران روی داده بود و همچنین در اثر محدودیتی که شیعیان قبل از صفویه داشتند، بسیاری از کتاب‌های اخبار و روایات از میان رفته بودند و آن مقدار هم که باقی مانده بود به صورت منظم و سازمان یافته در دسترس نبود و شیعه از نظر منابع حدیثی در مضیقه قرار داشت. روشن بینی و دقت نظر علامه باعث شد که با تلاش شبانه‌روزی، مجموعه‌ی عظیم و گرانسنگ بحارالانوار، پدید آید.

طبق تحقیقات و برآوردهای حجة الاسلام علی دوانی در کتاب مفاخر اسلام، اگر همه‌ی آثار علامه مجلسی چاپ شوند بالغ بر صد و بیست هزار صفحه خواهند بود (یعنی بیش از 300 کتاب 400 صفحه‌ای) یکی دیگر از خدمات علامه، ایجاد اتحاد بین شیعه و سنی بود به طوری که در زمان شیخ الاسلامی وی، هیچ جنگ و برخوردی بین ایران و همسایگان اهل سنت رخ نداد و بین شیعیان و اهل سنت داخل ایران هم نزاعی نبود. وسعت دید و تیزبینی علامه، وی را بر آن داشت تا با سه عامل فساد، تفرقه و بی‌تفاوتی نسل جوان که برای نابودی یک جامعه کافی است، به مبارزه برخیزد. به همین منظور و در ابتدای تصدی منصب شیخ الاسلامی، از شاه سلیمان خواست تا با صدور فرمانی، نوشیدن شراب و مسکرات، جنگ میان فرقه‌ها و کبوتربازی را ممنوع نماید. یک ماه بعد و در اقدامی انقلابی، دستور داد تا بت‌هایی که در دربار صفوی نگهداری می‌شد و هندوها به صورت پنهانی آنها را پرستش می‌کردند، نابود و منهدم شدند. علامه در این سال‌ها علاوه بر مبارزه با فساد و تفرقه و بت پرستی، بر علیه کشیشان دربار بیگانگان و نمایندگان مؤسسات غربی که در صدد ضربه زدن به اسلام بودند نیز مبارزات سخت و سنگینی را پایه ریزی نمود. وی در ادامه به مقابله با صوفی‌گری پرداخت. جریان‌های افراطی صوفیه که در آن زمان، می‌رفتند تا با تفکرات باطل و منحط خود، اساس مکتب تشیع را به خطر اندازند، بارها مورد هجوم و انکار علامه واقع شدند.

او در این زمینه یک دوره عقاید شیعه را به زبان فارسی نگاشت و بطلان عقاید صوفیه را به صورت مستدل و متقن بیان فرمود.

اثرگذاری علامه بر فرهنگ اسلامی و خدمات او به جامعه‌ی مسلمین تا حدی گسترده بود که حتی «ادوارد براون» انگلیسی که همواره نظرات مغرضانه‌ای در مورد علامه مجلسی داشت را نیز به اعتراف مجبور نمود(7).

سرانجام این مشعل فروزنده که عمری را در راه هدایت و راهنمایی خلق خدا سپری کرده بود، در سن 73 سالگی در 27 رمضان 1110 هجری قمری، در شهر اصفهان دیده از جهان فرو بست(8) و به ملکوت اعلی پیوست. مزار او در جنب مسجد جامع اصفهان و در کنار قبر پدر بزرگوارش زیارتگاه عاشقان مکتب اهل بیت(ع) و ارادتمندان به مقام علم و تقوا می‌باشد.

پی‌اچ‌اچ: rlm& نوشت :

1. پایگاه اطلاع رسانی علامه مجلسی.

2. زندگی‌نامه‌ی علامه مجلسی، ج1، ص55.

3. مفاخر اسلام، ج8، ص89.

4. فوائد الرضویه، ج2، ص380.

5. مفاخر اسلام، ج8، ص91.

6. مفاخر اسلام، ج8، ص159.

7. مفاخر اسلام، ج8، ص227.

8. گرچه بعضی وفات علامه را به سال 1111 دانسته‌اند اما با توجه به تحقیقات استاد دوانی سال 1110 صحیح است.

نویسنده: یحیی صالحی زاده

منبع: نشریه قدر، شماره 21